



به منظور رشد تجارت و اقتصاد هموطنان عزیز، عزیزی بانک افتخار دارد تا قروض متوسط خویش را با مبلغ 100000 - 500000 دالر امریکایی، پیشکش نماید. هموطنان عزیز میتوانند از مزایای قرضه مذکور با شرایط سهل مستفید شوند.

عزیزی بانک
Azizi Bank

1515 www.azizibank.af

بی‌باوری برخی از نماینده‌گان مجلس به کمیشران جدید کمیسیون‌های انتخاباتی

تیفا: کمیشران زیر نظر تانند



صفحه ۳

باز محمد احمدی:

د مخدره مواد د قاجاق مخیوی

لپاره لوی عملیات پیلپری



صفحه ۶

بودجه سلیقه‌ی

و تباهی یک کشور

صفحه ۲



اداره عالی مبارزه با فساد اداری:

کارکنان اداره‌های پول آور

وابسته‌گان مقام‌های حکومتی‌اند

صفحه ۶

وزارت خارجه افغانستان:

نشست وزرای خارجه ناتو

برای افغانستان مهم است



صفحه ۶

احمد عمران

حاشیه‌های بلندتر از متن نشست کشورهای قلب آسیا



چه نگاه مثبت به سخنان آقای غنی داشته باشیم و چه نگاه منفی، این سخنان در نوع خود کم‌نظیر بوده و بدون شک می‌توانند پیامدهای خاصی را به دنبال داشته باشند. در این جای شک نیست که پس از این، پاکستان با افزایش حمایت‌های خود از گروه‌های تروریستی، تلاش خواهد کرد که نشان دهد اقدام‌های به‌ظاهر دیپلماتیک افغانستان به ضرر این کشور خواهد بود. این می‌تواند یک روی سکه باشد، ولی روی دیگر سکه این است که اگر چنین سخنانی گفته نمی‌شد، چه بدیل دیگری برای آن‌ها وجود داشت؟

نشست کشورهای قلب آسیا این بار در امرتسر هند بیشتر از این که متن آن قابل توجه باشد، حاشیه‌های آن توجه‌برانگیز و جنجالی است. در این نشست که روز دوشنبه همین هفته به کار خود در هند پایان داد، نرندرا مودی نخست‌وزیر هند و اشرف‌غنی رئیس‌جمهوری افغانستان، مسایلی را در سخنرانی‌های خود مطرح کردند که با واکنش توأم با عصبانیت پاکستان روبه‌رو شد.

مودی و غنی بدون نام گرفتن از کشور خاصی، از کشورهای منطقه خواستند که به خشونت و افراط‌گرایی در کشورهایشان پایان دهند. این سخنان بدون تردید یک مخاطب داشت و آن کشور پاکستان بود که به نمایندگی از آن، سرتاج عزیز مشاور امنیت ملی و روابط بین‌المللی نخست‌وزیر پاکستان در این نشست شرکت داشت.

در همین حال، آقای غنی در سخنان خود ضمن سپاس‌گزاری از تعهد کمک ۵۰۰ میلیون دلاری کشور پاکستان در بازسازی افغانستان گفت که این کمک سخاوتمندانه است، ولی بهتر است که در راه مبارزه با تروریسم و خشونت‌طلبی هزینه شود؛ چون افغانستان بدون صلح نمی‌تواند به بازسازی و عمران برسد.

رد چنین کمکی که برای نخستین بار صورت گرفت، بدون تردید می‌تواند برای پاکستان سنگین تمام شود. سرتاج عزیز مشاور امنیت ملی پاکستان در واکنش به این سخنان گفت که: "ما نیز درک می‌کنیم که اشرف‌غنی (رئیس‌جمهور افغانستان) این سخنان را در خاک دشمن پاکستان بیان کرده است. واضح است که او در تلاش بود آنچه را بیان کند که آن‌ها ترجیح می‌دهند بشنوند."

نوع واکنش پاکستان نشان می‌دهد که سخنان آقای غنی برای پاکستانی‌ها غیرمنتظره و حیرت‌آور بوده است. آن‌ها حداقل انتظار نداشتند که با چنین برخوردی از سوی کشور همسایه خود روبه‌رو شوند.

سخنان آقای غنی در داخل کشور با واکنش‌های متفاوتی روبه‌رو شده است. عده‌ی این سخنان را از سر ناگزیری عنوان کرده و از آن استقبال کرده‌اند. برخی‌ها نیز ابراز نگرانی کرده‌اند که چنین سخنانی می‌تواند بر تیره‌گی روابط میان دو کشور بیفزاید و سبب شود که پاکستانی‌ها جری‌تر از گذشته دست به مداخله در امور افغانستان بزنند. اما برخی دیگر که با رویکردی

سخن‌ماندگار بودجه سلیقه‌ی و تباهی یک کشور

دو روز پیش، اعضای مجلس نمایندگان ضمن نامتوازن خواندن بودجه ملی سال مالی ۱۳۹۶، گفتند که هر سال بودجه کشور بر اساس علایق و سلیقه شخصی تنظیم می‌شود و به همین دلیل، از سوی مجلس رد می‌گردد. آقای ابراهیمی رییس مجلس نمایندگان، بودجه ملی را مرتبط با سرنوشت مردم افغانستان دانست و از همه نمایندگان خواست که با توجه به نیازمندی‌های ولایت‌هایشان، پیشنهادهایشان را به کمیسیون اختصاصی مالی بودجه بسپارند تا توازن در بودجه لحاظ گردد.

همچنین اعضای مجلس برای جلوگیری از حیف و میل و توزیع سلیقه‌ی بودجه، از رییس‌جمهور خواستند که قانون تشکیلات اساسی حکومت را به مجلس نمایندگان برای تصویب بفرستند تا از تراکم تشکیلاتی و هدر رفتن بودجه جلوگیری شود.

نمایندگان مجلس گفتند که باید وزارت‌خانه‌ها، مشکلات و کاستی‌های مردم در ولایات گوناگون را در درخواست بودجه در نظر بگیرند و همچنین برخی دیگر هشدار دادند تا زمانی که سرنوشت وزرای سلب اعتماد شده مشخص نشود و حکومت وزرای جدید را معرفی نکند، بودجه وزارت‌خانه‌ها را تصویب نخوانند کرد.

و اما به‌طور اختصار، می‌توان این سه نکته را درباره بودجه سال مالی ۹۶ ارایه کرد:

- مبلغ و میزان مجموعی بودجه و تناسب آن با واقعیت: بودجه سال مالی ۹۶ که هفته پیش از سوی مجلس سنا مورد تأیید قرار گرفته، با تفاوتی اندک از بودجه سال ۹۵ ترتیب و تنظیم شده است. به این معنا که هر سال بودجه بر اساس تقلید از بودجه سال گذشته و بدون بررسی و تحقیق علمی و میدانی تازه، پیشنهاد می‌گردد. حال آن‌که بودجه هر سال باید نظر به اوضاع و شرایط همان سال ترتیب گردد و مسلماً این کار ایجاب تحقیق و تفحص اصولی را می‌کند. به نظر می‌رسد دست‌اندرکاران امور بودجه در کشور، ظرفیت دانشی لازم برای این کار را ندارند.

- نقش علایق و سلیقه شخصی و تیمی در تدوین بودجه: فساد و زدوبندهای قومی و مافیایی رایج در افغانستان، همواره بودجه را در محاصره قرار داده؛ به نحوی که به جای آن‌که کدها و معیارهای علمی کیفیت توزیع بودجه را تعیین کند، اغراض و امراض قومی و مافیایی آن را مشخص می‌سازد. به همین دلیل است که یک ولایت و وزارت‌خانه در پول بودجه غرق می‌شود و ولایت و وزارت‌خانه‌ی دیگر در تب نیازها و محدودیت‌ها می‌سوزد. گاهی می‌شود که بودجه یک ولسوالی یا یک ریاست بر بودجه یک ولایت یا وزارت، افزونی یا دست‌کم برابری می‌کند. بودجه سال مالی ۹۶ نیز متأثر از این حالت است که صدای اعتراض نمایندگان مجلس را به شدت برانگیخته است.

نقش وزارت مالیه در کیفیت تدوین بودجه: وزارت مالیه تأثیرگذارترین نهاد دولتی در کیفیت بودجه است. این وزارت، پیشنهادهای وزارت‌خانه‌ها و ادارات را پیرامون بودجه دریافت می‌کند و پس از بررسی و مطالعه آن‌ها در ریاست عمومی بودجه، مبلغی را برای بودجه عادی و انکشافی تخصیص می‌دهد. این وزارت وظیفه دارد که بودجه را در چند دوره زمانی و یا چند قسط به واحدهای اداری برساند. اما متأسفانه این وزارت نیز اسیر زدوبندهای فسادآلود و مافیایی کلان و دچار علایق و سلیقه تباری و غیرعلمی است و از این‌رو در پروسه تدوین و پرداخت بودجه از ابتدا تا انتها دچار خبط‌ها و خطاهای فراوان می‌شود.

با این اوصاف، تذکر ما به همه مسوولان و دست‌اندرکاران بودجه این است که سرنوشت یک کشور و ملت و خوبی و خرابی آن، به تدوین متوازن و عادلانه بودجه بسته‌گی دارد. هنوز بودجه سال ۹۶ به تصویب نهایی نرسیده و این فرصت وجود دارد که اصلاحات اساسی در آن لحاظ گردد. امید می‌رود در روزهای آینده، شاهد تصویب بودجه‌ی متوازن و توسعه‌محور در مجلس نمایندگان باشیم و با پندآموزی از این نکات، در سال‌های آینده نیز بودجه‌هایی به مراتب علمی‌تر و عادلانه‌تر را به خانه ملت روانه کنیم.

ناچاری می‌گویند که افغانستان و پاکستان دو کشور همسایه‌اند که هرگز به منافع یکدیگر ضرر نمی‌رسانند، ولی در واقعیت چنین چیزی نه دیده شده و نه هم در استراتژی‌های کلان پاکستانی‌ها لحاظ شده است.

شاید گفته‌های آقای غنی، مقداری تند بوده باشد و یا بیشترین بهره‌برداری را از آن‌ها هندسی‌ها کرده باشند، ولی این هم درست است که روزی باید چنین سخنانی و حتا تندتر از آن‌ها مطرح می‌شدند. برخی‌ها باور دارند که مقام‌های دولت افغانستان به جای سخنان تند و تیز، راهکارهایی را جست‌وجو کنند که به تنش‌های دایمی میان دو کشور پایان دهد. آن‌ها به نقاط اختلافی میان دو کشور اشاره می‌کنند که به باورشان باعث تیره‌گی روابط میان دو کشور شده است.

این گفته‌ها بدون شک در جای خود متین و قابل درک اند و باید روزی به این مسایل حیاتی میان دو کشور پرداخته شود؛ اما در حال حاضر و قبل از آن‌ها، افغانستان نیاز دارد که بتواند بر مشکلات خود غلبه کند و حداقل از جنگی که با آن درگیر هست و به شدت در آن قربانی می‌دهد، رهایی یابد. در بحبوحه جنگ و فشارهای نظامی، هرگونه بحث‌های جانبی دیگر بر سر مسایل مرزی و یا اختلافاتی از این دست، به نتیجه نمی‌رسند و چنین تصویری را به وجود می‌آورند که سیاست فشار و تهدید باعث شده که یک طرف به باج‌دهی بپردازد و این چیزی نیست که دولت افغانستان در هیچ زمانی بتواند به آن تن دردهد.

مشکلات سیاسی میان دو کشور باید به صورت شفاف، عادلانه و کاملاً به دور از فشارهای نظامی، بر سر میز مذاکره و گفت‌وگو حل شود و این درست‌ترین راه‌حل بوده می‌تواند.

تحلیلی به این گفته‌ها نگاه کرده‌اند، گفته‌اند که برنده نشست قلب آسیا، نرندرا مودی نخست‌وزیر هند بود که توانست افکار منطقه‌ی را علیه دشمن دیرینه‌اش بسیج کند.

به هر حال، چه نگاه مثبت به سخنان آقای غنی داشته باشیم و چه نگاه منفی، این سخنان در نوع خود کم‌نظیر بوده و بدون شک می‌توانند پیامدهای خاصی را به دنبال داشته باشند. در این جای شک نیست که پس از این، پاکستان با افزایش حمایت‌های خود از گروه‌های تروریستی، تلاش خواهد کرد که نشان دهد اقدام‌های به‌ظاهر دیپلماتیک افغانستان به ضرر این کشور خواهد بود. این می‌تواند یک روی سکه باشد، ولی روی دیگر سکه این است که اگر چنین سخنانی گفته نمی‌شد، چه بدیل دیگری برای آن‌ها وجود داشت؟ آیا با سیاست ممانعت و به‌ظاهر نرم‌جویانه می‌شود که در سیاست‌های هژمونستی پاکستان دگرگونی ایجاد کرد و این کشور را واداشت که با صداقت و آینده‌نگری در مبارزه با تروریسم به صورت جدی برخورد کند؟

تجربه همین سال‌های گذشته به‌خوبی نشان داده که سیاست‌های نرم‌جویانه در برابر پاکستان به جایی نرسیده‌اند. دولت فعلی و پیشین، به اندازه کافی تلاش به خرج دادند که روابط خوب خود را با پاکستان حفظ کنند و با وجود جنجال‌هایی که هرازگاه خلق می‌شد، نگذارند که دو طرف در برابر هم قرار گیرند. اما این سیاست به افزایش دامنه تندروری و خشونت در افغانستان انجامید.

پاکستانی‌ها عملاً در جنگ افغانستان مشارکت دارند و هدف‌هایی را دنبال می‌کنند که به هیچ صورت در آن‌ها افغانستان به عنوان کشوری مستقل و دارای حاکمیت به رسمیت شناخته نمی‌شود. مقام‌های پاکستانی گاهی از روی

تقدیر مجلس سنا از اقدام غنی در برابر پاکستان

می‌داشت" افزود که رییس جمهور غنی با این اقدام خود پاکستان را منحصراً یک کشور فریبکار معرفی کرد. به گفته وی، پاکستان با وعده کمک ۵۰۰ میلیون دالری در نشست بروکسل می‌خواست جهان را فریب دهد که در افغانستان مداخله نمی‌کند و به بازسازی این سهم می‌گیرد در حالی که این کمک نبود از سوی پاکستان بلکه باعث بدبختی بیشتر مردم افغانستان می‌شد.

لیلما احمدی نیز ضمن استقبال از این اقدام رییس جمهور گفت: "اکنون برای همه جهان به اثبات رسیده که پاکستان منبع صدور تروریسم و افراط‌گرایی به افغانستان است؛ امیدواریم که این موقف رییس جمهور غنی در راستای تأمین امنیت و ثبات در کشور مفید واقع شود."

نثار حارث نیز رد کمک مالی پاکستان را اقدام بزرگی از سوی رییس جمهور خواند که به گفته وی، مردم افغانستان از این موقف حمایت می‌کند تا پاکستان به دلیل حمایت از تروریسم و مداخله در افغانستان در انزوای بیشتر سیاسی قرار گیرد.

رییس جمهور غنی در ششمین نشست قلب آسیا که دو روز پیش در امرتسر هند به پایان رسید با رد کمک ۵۰۰ میلیون دالری پاکستان به افغانستان گفت که پاکستان از این کمک‌ها برای مبارزه با هراس افگنی در داخل خاک خود مصرف کند؛ زیرا مردم افغانستان به جز صلح به هیچ چیزی دیگری نیاز ندارد. سرتاج عزیز مشاور نخست وزیر پاکستان در واکنش به این اظهارات رییس جمهور گفت که آقای غنی آنچه را که هند می‌خواست بشنود، بیان کرد.

سناتوران در مجلس ضمن استقبال از رد کمک ۵۰۰ میلیون دالری پاکستان به افغانستان، این اقدام رییس جمهور غنی را جواب دندان‌شکن بر مداخلات اسلام‌آباد در امور داخلی کشور خواندند.

اعضای مجلس سنا می‌گویند که پاکستان دشمن مردم افغانستان است و رد کمک مالی این کشور از سوی رییس جمهور در نشست قلب آسیا پاسخ دندان‌شکن و بر طبق خواست درونی تمامی مردم افغانستان بود.

فضل هادی مسلم یار رییس مجلس سنا در این مورد گفت: "ما انتظار داشتیم که دولت افغانستان کمک ۵۰۰ میلیون دالری پاکستان را که در نشست بروکسل متعهد شده بود نپذیرد ولی اکنون رد این کمک‌ها از سوی رییس جمهور در نشست قلب آسیا نیز اقدام مبتنی بر خواست قلبی مردم افغانستان است."

آقای مسلم یار افزود، دریافت کمک از پاکستان در حقیقت جفا به خون‌سریزان و شهدای مردم افغانستان بود و رییس جمهور در واقع با رد این کمک‌ها صدای قربانیان جنگی ناشی از مداخلات پاکستان در افغانستان را بلند کرد و مجلس سنا از این اقدام رییس جمهور حمایت می‌کند.

شماری از سناتوران دیگر هم، رد کمک مالی پاکستان را از سوی رییس جمهور اقدام نیک و شجاعانه خواند و پاکستان را دشمن مردم افغانستان خواندند. فوزیه سادات یک عضو سنا گفت: "پاکستان دشمن مردم افغانستان و افتخار می‌کنیم که رییس جمهور پاسخ دندان‌شکن به دشمن ما داد."

آصف صدیقی دیگر عضو سنا هم با ذکر آن که "کاش افغانستان از ۱۵ سال پیش چنین موقعی را در برابر مداخلات پاکستان

تيفا: کمیشران زیر نظارت‌اند بی‌باوری برخی از نماینده‌گان مجلس به کمیشران جدید کمیسیون‌های انتخاباتی



کمیسیون‌های انتخاباتی استقلال سیاسی داشته باشند تا براساس قواعد انتخاباتی، انتخابات را برگزار کنند.

رحمانی افزود: کمیشران در کنار اینکه استقلال عمل داشته باشند، باید از درون نیز آزاد باشند، یعنی قوم‌گرایی، سمت‌گرایی و برتری‌جویی و یا تمایل به فساد و اخذ رشوه نداشته باشند، اما اگر اعضای کمیسیون انتخابات در کنار اینکه استقلال عمل نداشته باشند و از درون هم آزاد نباشند و وام‌دار دستگاه حاکمه نیز باشند، در این صورت بدون شک ما ماند گذشته شاهد یک انتخابات مملو از تقلب خواهیم بود.

اما تيفا از بررسی چند ماهه این نهاد از کمیشران جدید کمیسیون‌های انتخاباتی خبر داده می‌گوید: ما به کمیشران جدید با توجه به اینکه تجربه ندارند و بحث وابستگی نیز مطرح است، چند ماه فرصت دادیم که چگونه کار می‌کنند، پس از نظارت مستند، انتقادات خود را خواهیم داشت. نعیم ایوب‌زاده رییس تيفا به روزنامه ماندگار گفت: ما از آغاز کار کمیته‌گزينش مشکلات زیادی را نظارت کردیم، اما حالا فرصت دادیم به کسانی که به عنوان کمیشران جدید کمیسیون‌های انتخاباتی گزينش شده‌اند.

او تأکید کرد: چون تيفا یک نهاد بی‌طرف است؛ بنابراین انتقادات مستند ما می‌تواند سرنوشت کمیشرانی را که اگر نتوانند بی‌طرفی خود را حفظ کنند، تغییر دهد.

ایوب‌زاده افزود: ما در گذشته انتقادات خود را داشتیم اکنون در حال ارزیابی کمیشران هستیم، پس از ارزیابی و مطابق کار کمیشران جدید، یافته‌های خود را با مردم افغانستان شریک خواهیم کرد.

این اظهارات در حالی ابراز می‌شود که چند هفته پیش حکومت وحدت ملی ۱۳ تن را از میان ۳۶ برگزیده توسط کمیته گزينش به عنوان کمیشران جدید کمیسیون‌های انتخاباتی گزينش و معرفی کرد.

اعتمادی می‌گوید: نگرانی‌های مردم و نماینده‌گان پارلمان مساله عدم استقلالیت کمیشران است، نصب و عزل کمیشران در قانون پیش‌بینی شده بود که حکومت بدون در نظر داشت آن اقدام به تعیین کمیشران کرد؛ بنابراین زمانی که حکومت بدون در نظر داشت قانون کمیشران را عزل و نصب می‌کند، بدون شک دست برد در انتخابات همچنان وجود خواهد داشت.

او تمامی دوره‌های انتخاباتی را پرچالش و مملو از تقلب خوانده تأکید کرد: تمامی انتخابات در افغانستان همواره با دست‌اندازی‌های حکومت همراه بوده است.

این عضو مجلس تأکید کرد: با توجه به مواردی که گفته شد، بدون شک انتخابات آینده ما یک انتخابات فرمایشی از جانب حکومت و مملو از تقلب و تخلف خواهد بود.

باین حال، عارف رحمانی عضو مجلس نماینده‌گان می‌گوید: اگر کمیسیون انتخابات استقلال سیاسی لازم در امور انتخابات را نداشته باشند و حکومت همواره در امر انتخابات تحت عناوین مختلف دخالت کند، بدون شک ما شاهد یک انتخاباتی فرمایشی خواهیم بود.

او تأکید کرد: تا زمانی که فشار و زور وجود داشته باشد و تا زمانی که نیروهای امنیتی به نفع یا ضرر افرادی در انتخابات دخالت کند و مردم استقلال لازم در رای دادن نداشته باشند، باز هم ما یک انتخابات مملو از تقلبات را شاهد خواهیم بود.

او چگونه‌گی شرایط امنیتی و حضور مردم در انتخابات را نیز در شفافیت انتخابات اثرگذار دانسته تأکید کرد: اگر امنیت تأمین نباشد و مردم هم در انتخابات استقلال نداشته باشند، بدون شک انتخابات آینده یک انتخابات سالم نخواهد بود.

به گفته این عضو مجلس: اگر بخواهیم انتخابات آینده شفاف، دموکراتیک و براساس قانون اساسی و قانون انتخابات برگزار شود، در قدم نخست باید کمیشران

اگر کمیسیون‌های انتخاباتی استقلال سیاسی نداشته باشند و حکومت هم تحت عناوین مختلف در کار کمیسیون‌ها دخالت کند، انتخابات آینده یک انتخاباتی فرمایشی و مملو از تقلب خواهد بود.

شماری از نماینده‌گان مجلس می‌گویند: باتوجه به پیشینه کمیشران جدید و با توجه به اینکه هیچ تجربه‌ی در زمینه انتخابات ندارند، انتخابات آینده بدون شک یک انتخابات به دور از تقلب نخواهد بود.

اما تيفا از نظارت بر کارکرد کمیشران کمیسیون‌های انتخاباتی خبر داده می‌گوید: ما در گذشته انتقادات خود را داشتیم و اکنون در حال ارزیابی کمیشران هستیم، پس از ارزیابی و مطابق کار کمیشران جدید، یافته‌های خود را با مردم افغانستان شریک خواهیم کرد.

و اما یکی مقامات حکومتی که نمی‌خواهد نامی از او گرفته شود می‌گوید: هر دو رهبر حکومت وحدت ملی توافق کرده بودند، کسانی که عنوان کمیشران کمیسیون‌های انتخاباتی، برگزیده شوند که سابقه کار در کمیسیون‌های انتخاباتی را نداشته باشند.

این مقام حکومتی هدف از این اقدام رهبران حکومت را جلوگیری از تقلب عنوان کرده گفت: نداشتن تجربه کار در کمیسیون‌های انتخاباتی زمینه تقلب و تخلف را کمتر می‌سازد.

اما شماری از نماینده‌گان مجلس و آگاهان سیاسی به این باور اند که کمیشران فعلی توانایی برگزاری یک انتخابات به دور از تقلب و تمایلات سیاسی، قومی و سمتی را ندارند.

چمن شاه اعتمادی عضو مجلس نماینده‌گان می‌گوید: کمیشران گذشته بخشی از مشکلات بودند، نه همه مشکلات؛ اما حکومت از بسته پیشنهادی کمیسیون اصلاحات انتخاباتی، تنها تغییر کمیشران را پذیرفت؛ بنابراین باتوجه به پیشینه کمیشران جدید و با توجه به اینکه هیچ تجربه‌ی در زمینه انتخابات ندارند، انتخابات آینده بدون شک یک انتخابات به دور از تقلب نخواهد بود.



بخش پنجم و پایانی

ازدواج حال‌مان را خوب می‌کند یا بد؟

هدف اصلی ازدواج این است که کانونی مطمئن برای پرورش فرزندان و اجتماعی کردن آن‌ها شکل بگیرد؛ کاری که خود اجتماع نمی‌تواند از پس آن برآید. آدم اسمیت می‌گوید: «نخستین نشانه تمدن بشر، ازدواج و تشکیل خانواده است.» جوامع غربی هم بعد از این‌که همه آزادی‌ها و... را تجربه کردند، باز به همان نقطه اول برگشتند که برای داشتن جامعه سالم، ازدواج و تشکیل خانواده نقش حیاتی دارد. این نتیجه‌گیری از آن‌جا حاصل شد که معلوم گشت هیچ رکنی در جامعه متمدن، نه آموزش و پرورش، نه دانشگاه و... هیچ‌کدام نتوانست مثل خانواده در درونی کردن ارزش‌ها و آرایه آموزش‌ها و هم‌چنین برآورده کردن نیازهای روانی و عاطفی کودکان موثر باشد.

در ازدواج نیازهای ما برآورده می‌شود

این‌که ازدواج سکوی امنی برای برآورده کردن نیازهای غریزی ما است، دیگر جای تأکید ندارد؛ اما این‌که برآورده ساختن نیازهای غریزی چه‌قدر می‌تواند در رفاه حال ما تأثیرگذار باشد، کمتر مورد بحث قرار گرفته است. برخی نظریه‌پردازان معتقدند همه اختلالات شخصیتی به غریزه جنسی برمی‌گردد. تحقیقات و آمار نشان داده است که ارضای نیازها و داشتن رابطه جنسی در جوامع مختلف، همواره در قالب ازدواج بهترین شکل را داشته است.

ازدواج باعث می‌شود خودمان را بهتر بشناسیم

شنیده‌اید که می‌گویند مومن آینه مومن است؟ این را در مورد همسر هم می‌توانیم بگوییم: همسر، آینه همسر است. افراد متأهل در سایه یک رابطه نزدیک و صمیمانه و هم‌چنین در شرایط جدید و مسوولیت‌های تازه می‌توانند خودشان را بهتر بشناسند و به نقاط قوت و ضعف خودشان پی ببرند. البته فقط نقاط ضعف نیست که طی ازدواج برای ما آشکار می‌شود، بلکه بسیار از توان‌مندی‌ها و قدرت‌هایی که در وجود ما نهفته بوده و تا حال شرایطی برای بروز پیدا نکرده بود نیز برای‌مان روشن می‌شود. شاید تا پیش از ازدواج، با غرور فکر می‌کردید که از پس خیلی کارها برمی‌آید یا خیلی از کارها را به خوبی بلدید، اما بعد از ازدواج وقتی در موقعیتش قرار گرفتید، پی ببرید که به این ساده‌گی‌ها هم نیست؛ یا برعکس شاید اصلاً فکر نمی‌کردید که بتوانید از پس بسیاری از کارهایی برآید، که ازدواج شما را در موقعیت انجام آن قرار داد.

با ازدواج نصف دین‌مان را خریده‌ایم!

ازدواج علاوه بر این‌که اطاعت از امر خداوند است، به واسطه همین که مأمنی برای برآورده کردن نیازهای ماست، ما را از ارتکاب به گناه باز می‌دارد. چه بخواهیم و چه نخواهیم، ما در جامعه در معرض شرایط مختلف آلودگی به گناه قرار داریم که شاید تقوا و ترس از گناه نتواند پاسخگوی این‌همه نیاز باشد. این‌جاست که برآورده کردن نیازها از طریق ازدواج، ما را در برابر این‌دست گناهان بیمه می‌کند.

ازدواج باعث رشد ما می‌شود

پس از ازدواج مسوولیت‌های ما بیشتر می‌شود، انتظارات خودمان از خودمان و دیگران از ما بیشتر می‌شود و تلاش بیشتری می‌کنیم. همین باعث می‌شود رشد کنیم و استعدادهای‌مان در خیلی از زمینه‌ها شکوفا شود.

با ازدواج از همه مستقل می‌شویم و نقش‌های جدید همسر بودن، عروس یا داماد بودن، پدرشدن یا مادرشدن و... باعث می‌شود ما در موقعیت‌های گوناگون و بی‌شماری قرار بگیریم و تجربه‌های زیادی به‌دست بیاوریم. نقش‌هایی که بدون ازدواج هرگز تجربه نخواهیم کرد. تجربه پدر یا مادرشدن، یکی از تجربه‌های عمیق زنده‌گی است که ازدواج آن را به ما هدیه می‌کند و از طریق آن وارد دنیایی جدید و پر از تازه‌گی می‌شویم. به این صورت، به تدریج شخصیت ما وسیع‌تر و کامل‌تر می‌شود.

ازدواج از ما محافظت می‌کند

شاید در فیلم‌ها دیده باشید که گاهی زنان به یک ازدواج ناسالم پایدار و وفادار می‌مانند تا فقط سایه کسی بالای سرشان باشد. به نظر ناعادلانه می‌آید، اما واقعاً ازدواج می‌تواند برای ما چنین نقشی داشته باشد.

ازدواج به ما حمایت می‌دهد. این حمایت می‌تواند عاطفی باشد، یا اقتصادی، اجتماعی، جسمانی، معنوی، مذهبی و خیلی موارد دیگر.

ازدواج علاوه بر آن‌چه گفته شد، مزایای بسیار دیگری هم دارد که در این‌جا ذکر نگردید. اما اگر بخواهیم همه آن‌ها را در یک کلام جمع نماییم، این می‌شود که در کل، «ازدواج حال‌مان را خوب می‌کند.» پس اگر هنوز ازدواج نکرده‌اید، همین حالا آستین‌ها را بالا بزنید!



می‌توانند عمل کنند که بهترین فضایل و نیکی‌ها کسب شوند، یا این‌که عمل فرد چگونه عادلانه می‌شود.

به تعبیر دیگر، عدالت در سطح فردی یا به معنای تعادل و توازن قوا یا به معنای عمل عادلانه است. تفکر دینی به این نوع از عدالت نیز توجه بسیاری داشته است و تفکر جهان قدیم، عدالت را در بادی امر در سطح هستی در نظر می‌گیرد و آنگاه یکی از نمادهای آن را در سطح فردی می‌داند و بر تعادل و توازن قوا و عمل عادلانه متمرکز می‌شود.

اما شاید یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های تفکر اخلاقی جهان جدید با تفکر اخلاقی جهان قدیم، تأکید بر نوع متفاوتی از عدالت است. تفکر اخلاقی جهان جدید، عادل بودن را صفت جامعه، فرهنگ و سیاست نیز در نظر می‌گیرد و تنها به عدالت یا بی‌عدالتی هستی، قوا و اعمال انسانی توجه ندارد. بی‌تردید، بین این سه نوع عدالت یعنی عدالت هستی‌شناسانه، عدالت فردگرایانه و عدالت جامعه‌محورانه ارتباطات نزدیک و تودرتویی وجود دارند، اما آنچه این سه نگاه را از یکدیگر جدا می‌کند، تأکید بر یکی و کم‌رنگ کردن دو نوع دیگر عدالت است.

متفکر مطرحی که در جهان جدید در باب عدالت سخن گفته، «جان رالز» است که مبتنی بر اندیشه‌های اخلاقی «کانت»، نظام فلسفی خاصی را در مورد عدالت ارائه و توسعه داده است. اگر نگاهی به این نظام بیفکنیم، در می‌یابیم که پرسش اصلی وی نه سامان نظامی در باب عدالت هستی و یا فرد، بلکه سخن گفتن از این نکته است که جامعه‌ی عادلانه چگونه جامعه‌ی است و چگونه می‌توان آزادی و دیگر ارزش‌های بشری را در این نظام بازتعریف کرد.

کتاب «نظریه‌ی در باب عدالت» رالز، دقیقاً با تأکید و تمرکز بر این پرسش‌ها شکل می‌گیرد؛ هرچند وی در جایگاهی دیگر می‌کوشد نقش و اهمیت عدالت فردی و فضایل مهم را در این نظام مشخص کند.

به هر حال، عدالت را با تکیه بر مفاهیم متفاوتی می‌توان مورد بررسی قرار داد و یکی از این مفاهیم، البته موضوع عدالت است. موضوع عدالت نیز در سه ساحت قابل بررسی است. گاهی موضوع عدالت، جهان هستی است و عادل یا ناعادل بودن به عنوان صفات هستی در نظر گرفته می‌شوند. برخی مواقع نیز عادل و غیرعادل بودن، صفات افراد یا قوای آنها هستند. اما بیشترین حجم ادبیاتی که در جهان جدید با محوریت عدالت شکل گرفته اند، به عدالت از نظر صفت اجتماع، فرهنگ و سیاست توجه دارند. برای هر گونه سخن گفتنی از عدالت، تأکید بر این تمایز بسیار حیاتی است. این نکته‌ی است که در نوشتارها و گفتارهایی که در خصوص عدالت به زبان فارسی موجودند، کمتر مورد تأکید قرار گرفته است.



«عدالت» در هستی، «عدالت» در جامعه

سپهر نیک‌گوهر

بوده است. در این ساحت، عادلانه بودن یا غیرعادلانه بودن جهان هستی مورد توجه است. همان‌طور که می‌دانیم، تفکر دینی تفکری است که به عادلانه بودن جهان هستی اشاره دارد. این اصل مهم تفکر دینی که جهان نسبت به خوب و بد بی‌تفاوت نیست، به بهترین نحو، عادلانه دیدن هستی از منظر تفکر دینی را نشان می‌دهد. تفکر اخلاقی در یونان باستان نیز که سه چهره مطرح آن سقراط، افلاطون و ارسطو هستند، چنین رویکردی را نسبت به عدالت قایل است و عدالت را در سطح هستی در نظر می‌گیرد و پس از آن، این تعریف را به دیگر ساحت‌ها تعمیم می‌دهد.

در مقابل این تفکر، برخی نحله‌های فکری مدرن قرار دارند که صحبت کردن از عدالت در جهان هستی را نه باطل، بلکه بی‌معنا می‌دانند. به زعم این نحله‌ها و مکتب‌ها، انسان توان سخن گفتن در باب عادلانه بودن و غیرعادلانه بودن جهان هستی را ندارد و در این سطح، باید موضع «نمی‌دانم» و «لا ادری» را انتخاب کند. عدالت همچنین در سطح فرد انسانی نیز مورد توجه بوده است. در این مقام، عدالت نه یک صفت برای جهان هستی، بلکه شاخصی برای عمل فردی و قوای نفس مورد تأکید بوده است. در اینجا، منظور، عادلانه بودن یا غیرعادلانه بودن هستی نیست، بلکه تأکید می‌شود که قوای انسان مانند قوای جسمی، ارادی و فکری چگونه و با چه مکانیسمی

«عدالت» از پُرشینه‌ترین و معروف‌ترین مفاهیم و ارزش‌ها در طول تاریخ بشری است. اگر به ادبیات مکتوبی که از قدیمی‌ترین حکیمان و اندیشمندان به دست ما رسیده، نگاهی بیندازیم، در می‌یابیم که همه بدون استثنا، بدین مفهوم توجه داشته‌اند. از حکیمانی چون، بودا، کنفیوس، لائوتسه و زرتشت تا پیامبران سه دین ابراهیمی و از فیلسوفان مطرح یونان باستان تا تفکر سکولاری که در جهان جدید مطرح شده، همه توجهی قابل‌اعتنا به مفهوم عدالت داشته‌اند.

این تکرر در تأمل بر عدالت، تکرر و تنوعی مثال‌زدنی در رویکردها، روش‌ها و مضامین را نیز به وجود آورده است، به گونه‌ی که ما هم اکنون با طیفی از آرای مختلف در باب عدالت روبه‌رو هستیم. البته در مقام روش، گاهی روش تجربی برای رسیدن به معنای این ارزش به کار رفته است و گاهی روش عقلی و منطقی اتخاذ شده است. در برخی آرا حتا روش نقلی برای فهم عدالت مورد توجه قرار گرفته است؛ یعنی به تاریخ تفکر و تمدن بشری توجه شده است. رویکردها نیز گاه پدیدارشناسانه، شهودگرایانه، هستی‌شناسانه و معرفت‌شناسانه بوده‌اند.

با همه‌ی اینها، شاید معروف‌ترین تنوع آرا با تکیه بر موضوعات مختلفی که برای عدالت مد نظر بوده اند، به وجود آمده است. گاهی موضوع عدالت، هستی

حاشیه‌ها

نگاهی به چاپلین کارگر در «عصر جدید»

امید مهرگان

تصاویری که چاپلین از کارخانه در مقام نمود عینی مفهوم انتزاعی و دست‌نیافتنی «صنعت» به دست می‌دهد، اکنون دیگر بدل شده است به سیمای کلاسیک مفاهیم کلیشه‌شده‌ی چون «ماشینیسیم»، «جامعه صنعتی»، «سیطره ماشین بر انسان» و غیره. تفسیر غالب و رایج از عصر جدید چاپلین نیز، همین ارجاع به دلالت‌های فوق است. دلالت‌هایی که جوامع توسعه‌نیافته یا در حال توسعه غیرغربی را خوش می‌آید. ترکیب‌ها و مفاهیم دست‌مالی‌شده‌ی مثل «انسان ماشینی»، «جوامع صنعتی»، «بی‌روح شدن و مکانیکی شدن زنده‌گی» و از این دست، ابزار ظاهراً کارا و مطلوبی است برای نقد مبتذلانه فرآیند مدرن شدن. فیلم چاپلین را به‌راحتی می‌توان با این اشارات سردستی و اکنون کلیشه‌یی، شرح و تبیین کرد. البته این کار چندان پیچیده و «عمیق» هم نیست: خود چاپلین در آغاز فیلم، پس از تیتراژ صریحاً اشاره می‌کند به این که این فیلم «داستانی درباره صنعت» (story of industry) است.

چاپلین، «عصر جدید» را در دهه ۱۹۳۰، یعنی دوران رکود اقتصادی در امریکا که پیامد فاجعه‌بار جمعه سیاه بود، ساخت: ۲۵ اکتوبر ۱۹۲۹ روزی که قیمت سهام نیویارک ناگهان فرو ریخت و موجی از فقر و عجز اقتصادی جامعه را فرا گرفت. در فیلم، اشارات صریح و پنهان زیادی به این وضع و تأثیر آن بر خلق‌و‌خوی مردم و مناسبات اجتماعی وجود دارد. از سوی دیگر، ستیز حکومت با گرایش‌های کمونیستی و اعتصابات کارگری ملهم از این گرایش‌ها، پیش‌زمینه فیلم را تشکیل می‌دهد. پخش فیلم چاپلین در خود امریکا با مشکلات زیادی مواجه شد. پیامدهای این جریان، تا مکارتیسم دهه ۱۹۵۰، که اوج آن بود، گریبان چاپلین را نیز گرفت. خود فیلم نیز دلالت‌های مارکسیستی - کمونیستی بسیاری را به‌دست می‌دهد. بسیاری از مفاهیم مشخصاً مارکسی در «عصر جدید» به تصویر کشیده شده است. عمده‌ترین آن، مفهوم «کار بیگانه شده» یا «از خودبیگانه‌گی کارگر» است. در فصول آغازین فیلم، شیوه کار کارگران در کارخانه، مبین استحاله کارگر به آنچه انجام می‌دهد و فروش خود به صاحب‌کاری است که در دفتر کارش نشسته است و توسط یک مانیتور تمام بخش‌های کارخانه را تحت نظارت مداوم دارد. تمام آنچه کارگر انجام می‌دهد، سفت کردن پاپی پیچ‌هایی است که با نوار متحرک به سرعت از جلوی او عبور می‌کند.

تمام فعالیت او در همین عمل خلاصه می‌شود. در واقع، او خود آن پیچ و مهره‌یی است که سفتش می‌کند. مارکس در دست‌نوشته‌های اقتصادی - فلسفی ۱۸۴۴ (ترجمه حسن مرتضوی) ذیل فصل «کار بیگانه شده» می‌نویسد: «تملک شی به شکل بیگانه‌گی با آن، تا آن حد است که کارگر هرچه بیشتر اشیا تولید می‌کند، کمتر صاحب آن می‌شود و بیشتر زیر نفوذ محصول خود یعنی سرمایه قرار می‌گیرد... کارگر زنده‌گی خود را وقف تولید شی می‌کند، اما زنده‌گی‌اش دیگر نه به او، بلکه به آن شی تعلق دارد. از این‌رو هرچه این فعالیت گسترده‌تر می‌شود، کارگران اشیا کمتری را تصاحب می‌کنند. محصول کار او هر چه باشد، او دیگر خود نیست و در نتیجه هرچه این محصول بیشتر باشد، او کمتر خود خواهد بود.» فعالیت کارگران در فصل آغازین عصر جدید، گرچه به شیوه‌یی کمیک و مفرح نشان داده می‌شود، ولی «فعالیتی است مشقت‌بار، قدرتی تضعیف‌کننده، آفرینشی عقیم‌کننده که انرژی جسمانی و ذهنی کارگر را در حقیقت زنده‌گی شخصی‌اش را به فعالیتی بر ضد او، مستقل از او و بدون تعلق به او تبدیل می‌کند. ما در این‌جا شاهد از خودبیگانه‌گی [کارگر] هستیم.» این قسم از، از خودبیگانه‌گی را در رفتار جنون‌آمیز چاپلین در همان فصل آغازین می‌بینیم که نهایتاً به اخراج او از کارخانه می‌انجامد. ولی در پس رفتار «از خودبیگانه‌گی شده»ی چاپلین کارگر، نوعی جنون، سرمستی و «بازی»گوشی وجود دارد که در ادبیات ریالیسم سوسیالیستی اواخر سده نوزدهم و دهه‌های نخستین سده بیستم غایب است. موسیقی سرزنده پلان‌هایی که در آن چاپلین حسابی قاطی کرده و با آچارهایش، بینی و دکمه‌های کارگران و زن رییس کارخانه را می‌پیچاند، موسیقی سرزنده و دیونوزوسی است و بیش از آن‌که حاصل جدیت کمونیست‌هایی چون ماکسیم گورگی باشد، یادآور لاقیدی و مستانه‌گی

دلفک‌های سیرک است. چاپلین در «عصر جدید» ظاهراً در مقام منتقد سرمایه‌داری ظاهر می‌شود. ولی مسأله به این‌جا ختم نمی‌شود. چاپلین در عین حال در مقام منتقد کمونیسم و مارکسیسم سنتی نیز سر برمی‌آورد. چاپلین عصر جدید، پرولتر (یا کارگر صنعتی) آرمانی سنت کمونیستی نیست. برای او اعتصابات کارگری و انقلاب، مفهوم خاصی ندارد. او حتا (حال آگاهانه یا آناگاهانه) نامنجم بودن و فقدان آگاهی اعتصابات را در دو صحنه درخشان فیلم به مسخره می‌گیرد: آن‌جایی که هنگام عبور از خیابان، می‌بیند که پرچمی از پشت یک موتر باربری روی زمین می‌افتد و او پرچم را برمی‌دارد و راننده را صداکشان، در خیابان می‌دود. هم‌زمان گروهی از اعتصابچی‌ها از عقب او وارد خیابان می‌شوند و این دو «تصادفا» به هم می‌پیوندند. پولیس مداخله می‌کند و چاپلین را به عنوان یک رهبر کمونیستی، دست‌گیر می‌سازد. یا در صحنه‌یی مشابه، در اواخر فیلم که «تصادفا» پایش روی تخته‌چوبی می‌رود و خشتی به سر یکی از پولیس‌هایی که مشغول مهار تظاهرات کارگران است می‌خورد و او باز به جرم شرکت در اعتصاب دست‌گیر می‌شود.

چاپلین ساده‌دل و بازی‌گوش، تصویر آرمانی پرولتاریای

آگاهی طبقه پرولتاریا و زمینه‌ساز آگاهی انقلابی باشد، ایده‌های مارکوزه در باب زیبایی‌شناسی، از محتوای انقلابی در می‌گذرد و بر ماهیت انقلابی - انتقادی شکل زیبایی‌شناختی تأکید می‌گذارد. یعنی برای این‌که اثر هنری، انقلابی و منتقد وضع موجود باشد، لزوماً نباید حامل «ایده‌های» انقلابی باشد. بلکه اصولاً منطق درونی یک اثر زیبایی‌شناختی اصیل، خود انقلابی است و می‌کوشد از وضع موجود درگذرد. این نکته را مارکوزه در رساله «بعد زیبایی‌شناختی» (اواسط دهه ۱۹۷۰) بسط می‌دهد. این اثر به اضافه «اروس و تمدن» و «انسان یک بعدی»، طرحی نو از مفهوم انقلاب و کنش انتقادی در می‌اندازد که بیش از آن‌که مبتنی بر منبعی واحد و کنش صرفاً سیاسی باشد، می‌کوشد از خلال بسط دیالکتیکی تناقضات درونی تمدن، امکان‌های درونی وضع بشر اروپایی را بسط دهد.

مارکوزه در روایت خود از تمدن، هم گفتار مارکسیسم و هم گفتار روان‌کاوی را می‌گنجاند. به واقع، او مارکس و فروید را با هم ادغام می‌کند. مارکوزه همراه فروید، تاریخ تمدن بشری را تاریخ سرکوب می‌داند. مفهوم سرکوب، محور روایت فروید از فرهنگ و تمدن را تشکیل می‌دهد. به زعم فروید، برای تکوین تمدن،



سرکوب غرایز بشری و مهار آن، ضروری است. پس سرکوب و تمدن هم‌بسته‌اند. فروید ابزار این سرکوب را در مکانیسم نظام‌های ارزشی می‌جوید. مارکوزه، در عین تصدیق ماهیت سرکوب‌گرانه تمدن، در جست‌وجوی بدیل دیگری است. او در مقدمه کتاب «اروس و تمدن» مدعی است که در بطن روایت فروید از فرهنگ، چنین بدیلی نهفته است. به زعم مارکوزه، سرکوب فرویدی در قالب نهادهای اجتماعی عینیت می‌یابد. این نکته‌یی است که فروید بدان نپرداخته است. عصر مدرن، طی فرآیند صنعتی شدن و بوروکراتیزه شدن، به نحوی قادر است این سرکوب را در هیأت نهادهای مختلف اجتماعی، عینیت بخشد. در این‌جا مارکوزه مفهوم «سرکوب افزوده» (Surplus repression) در برابر «سرکوب بنیادین» (Basic repression) را پیش می‌کشد. تمدن برای تکوین خود، نیازمند سرکوب غرایز است. این سرکوب، بنیادین و ضروری است تا وضع بشری مطلوب در مقیاس جامعه تحقق یابد. ولی با رشد و توسعه جوامع (در نمونه غربی)، بخش زیادی از این سرکوب زاید می‌شود. نهادها برای تداوم بخشیدن به سلطه اجتماعی، این سرکوب را هم‌چنان حفظ می‌کنند. این‌جاست که سرکوب افزوده به وجود می‌آید. نظریه انتقادی مارکوزه نیز معطوف به همین حکم سرکوب است. از سوی دیگر، در روایت مارکوزه، تمدن همواره در ضدیت تام با امر حسانی (و بدن) بوده است. امر استتیک یا زیبایی‌شناختی نیز که اساساً مبین امر حسانی و برخاسته از آن است، در معرض همین ضدیت قرار داشته است.

مارکوزه با توجه به ایده‌های کانت در باب زیبایی‌شناسی، به خود آیینی و آزادی و لذت نهفته در امر استتیک (The Aesthetic) اشاره می‌کند. بدیل

مارکوزه برای رهایی، از دل تناقضات خود تمدن یا به بیان بهتر، از دل شرایط اجتماعی عصر سرمایه‌داری پیشرفته بیرون می‌آید. مفاهیم عمده‌تر او از این قرارند: «حسانیت»، «لذت عینی» «بازی» و «خیال». این مفاهیم، برسازنده بدیل انتقادی او در برابر سرکوب‌گری تمدن صنعتی است.

فصول آغازین «عصر جدید»، بازنمودی‌اند از سرکوب‌گری تمدن صنعتی در نمونه عینی کارخانه. در این‌جا با تقابل «غرایز» و «عقل» روبه‌رویم. پلانی که در آن، مخترعان دستگاهی را برای ماشینیزه کردن غذا خوردن» امتحان می‌کنند، مبین مهار و کنترل غریزه «امیل» به یاری عقل است. تمدن صنعتی، فرآیندی مشابه را در خصوص مهار دیگر غرایض به جریان می‌اندازد. در برابر چنین سامان صنعتی سرکوب‌گرانه‌یی، پروژه مارکوزه دست‌یابی به یک سامان صنعتی غیرسرکوب‌گرانه‌یی است که خود بر شالوده آزادی ارضای غرایز از سوی افراد بالغ استوار است. مارکوزه این سامان را به شیوه‌یی «رمانتیک» نفی نمی‌کند (البته رویکرد او خالی از عناصر آرمان‌شهریابورانه نیست) بلکه می‌کوشد از دل امکانات درونی این سامان، بدیل غیرسرکوب‌گر را بیرون کشد. «اروس و تمدن» تماماً به همین امر می‌پردازد. از عمده‌ترین عناصر سازنده این سامان صنعتی سرکوب‌گر، «کار تحت فرمان» است. همان کاری که فرآیند از خود بیگانه شدن و شی‌گشته‌گی‌اش را در روایت مارکس دیدیم. مفهوم کار، به مثابه عاملی پالاینده و تخلیه‌گر، در سنت روان‌کاوی مطرح بوده است. فروید از کار به مثابه فرصتی برای تخلیه تکانه‌های لیبیدویی، نارسیستی و پرخاش‌گرانه یاد می‌کند.

ولی مارکوزه، رویکرد تک‌سویه‌یی فروید به کار را بدین لحاظ نقد می‌کند که فروید میان کار بیگانه شده (Labor) و کار بیگانه نشده (Work) تمایزی نمی‌گذارد. به طور خلاصه، مارکوزه می‌کوشد با شرح پیوسته‌گی «کار» و «بازی» و تبدیل کار به بازی، از دل عناصر تشکیل‌دهنده سامان صنعتی، امکانی برای تحقق «شادی» بشری به مثابه هدف حیات اجتماعی، استخراج کند. در سراسر فیلم «عصر جدید»، ما شاهد استحاله کار به بازی نزد چاپلین هستیم. وجه کمیک و خنده‌آور فیلم، در خلال «بازی»گوشی او هنگام کار (که به اخراج او هم می‌انجامد) جلوه‌گر می‌شود. کار و بازی هر دو در حکم فعالیت‌های «جسمانی» بشر است. ولی بازی، لذت‌بردنی فسی‌نفسه‌یی‌برآوردن هدفی دیگر است، حال آن‌که کار خادم، تحقق اهداف خارجی است. به زعم مارکوزه، نه محتوا بلکه هدف است که یک فعالیت را بدل به کار یا بازی می‌کند. مارکوزه با تحلیلی فرویدی از مفهوم بازی و مناسبات کاری و با تأکید گذاردن بر شالوده غریزی و جنسی‌بازی، می‌کوشد هدف از کار را به‌جای برآوردن غایبات بیرونی و بیگانه، ارضای غرایز و نام‌جویی قرار دهد. تحقق این امر در خلا امکان‌پذیر نیست، بلکه نیازمند دگرگونی نهادهای اجتماعی است تا منطبق با نیازهای غریزی و کام‌جویانه بشر باشد و تحقق «کار جذاب» را ممکن سازد. در غیاب چنین نهادهایی، کار بیگانه شده، به از خود بیگانه کردن خود ادامه می‌دهد. فقدان این امر است که بازی‌گوشی چاپلین را مایه بحرانی شدن وضعیت او می‌سازد.

بنابراین یکی از وجه بدیل مارکوزه برای سامان صنعتی غیرسرکوب‌گر، در شالوده اروتیک «کار» تجلی می‌یابد. همین شالوده مشترک است که امکان بدل ساختن کار به بازی را فراهم می‌آورد. نکته مهمی که باید به یاد داشت این است که مارکوزه «کار» را به شیوه‌یی رمانتیک نفی نمی‌کند، بلکه از امکانات درونی زمینه «کار» به مثابه عنصر سازنده تمدن صنعتی بهره می‌گیرد. این امر خود نیازمند دگرگونی نهادهای اجتماعی است، بنابراین نیازمند دگرگونی «وضع موجود» است. به این منظور که این وضع موجود دیگر نه صرفاً بر شالوده «اصل واقعیت»، بلکه استوار بر شالوده «اصل لذت» باشد. نظریه انتقادی مارکوزه، از خلال بسط همین نکات تعیین می‌یابد.

جنون چاپلین کارگر، در فصل آغازین عصر جدید (جنونی که خود محصول کار بیگانه‌شده و تصلب نهادهای حافظ سامان صنعتی سرکوب‌گر است) در بطن خود، حامل عناصر بازی و رقص است؛ عناصری که از دل «کار» درآمده‌اند. رقص او با آچارهایش در محوطه کارخانه، به‌ویژه پیچاندن دکمه‌های دامن زن رییس کارخانه با آچارها، و آنچه دلالت‌هایی است بر شالوده غریزی و اروتیک کار که قادر است کار را به بازی بدل کند و بنابراین زمینه‌ساز تحقق «شادی» در بطن تمدن عبوس و سرکوب‌گر باشد. بخش اعظم وجه انتقادی «عصر جدید»، در هیأت همین استحاله‌جلوه‌گر می‌شود. «کاری که چاپلین سرانجام برای امرار معاش برعهده می‌گیرد، رقص و خواننده‌گی در کافه است. این «کار» در زمینه رویدادهای فیلم، معنای دقیق خود را می‌یابد. این همه، مبین هیچ آرمان‌شهر توخالی‌یی نتواند بود، مگر کوششی برای ایجاد اخلال در نهادهای صلب و منجمد. باری نهایتاً باید بگویم، پاسخ ناآگاهانه چاپلین به وضع موجود، سرمستی و جنون و «بازی» به معنای مارکوزه‌یی است، ولی پاسخ آگاهانه چاپلین، چیزی نیست جز رمانتیسم.



وزارت خارجه افغانستان:

نشست وزرای خارجه ناتو برای افغانستان مهم است



ابوبکر صدیقی

قرار است امروز چهارشنبه (۱۷ قوس) نشست دو روزه ۲۸ وزیر خارجه ناتو در بروکسل مرکز بلجیم رسماً آغاز شود. امنیت و ثبات در افغانستان از موضوع‌های کلیدی مورد بحث در این نشست است. یونس ستولتبرگ دبیرکل ناتو یک روز پیش از این نشست گفته است که حضور ناتو در افغانستان برای ثبات منطقه مهم است. از سوی هم، مسوولان در وزارت خارجه افغانستان می‌گویند که پس از نشست وارسا این اولین نشست وزرای خارجه ناتو برای افغانستان است که تعهدات کشورهای کمک کننده برای افغانستان و امنیت و ثبات در این کشور را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. خیرالله آزاد معاون سخنگوی وزارت خارجه افغانستان در مصاحبه با روزنامه ماندگار می‌گوید: قرار است روز چهارشنبه نشست وزرای خارجه ناتو در مورد افغانستان برگزار شود، بررسی اوضاع سیاسی، امنیت و ثبات در افغانستان از بحث‌های

کلیدی این نشست است. آقای آزاد بیان کرد که در این نشست تعهداتی که در نشست لندن و نشست سران ناتو در وارسا برای افغانستان صورت گرفته بود، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و از تعهدات افغانستان مبنی بر اصلاح نظام انتخاباتی، مبارزه با فساد، رعایت آزادی بیان و عملی کردن توافقنامه سیاسی از طرف وزیر خارجه افغانستان برای کشورهای عضو معلومات ارایه خواهد شد. او گفت که پس از نشست وارسا این اولین نشست وزرای خارجه "ناتو است که در مورد اوضاع سیاسی و امنیتی افغانستان بحث می‌کنند. آقای آزاد حضور افغانستان را در این نشست حیاتی خوانده گفت: برای این که دولت افغانستان در تصمیم گیری آینده کشورهای عضو ناتو بتواند تأثیر خود را داشته باشد، حضورش در این نشست مهم است. معاون سخنگوی وزارت خارجه بیان داشت که سران افغانستان در لندن تعهداتی را مبنی بر اصلاح نظام انتخاباتی کرده بودند که کمیستران

کمیسیون انتخابات تعیین شده و به کار آغاز کرده‌اند و هم‌چنان، در امر مبارزه با فساد اداری کمیته ملی تدارکات تحت نظر رییس جمهور و رییس اجرایی ایجاد شده و در بحث آزادی بیان و حقوق بشر هم افغانستان دولت دست آوردهای قابل ملاحظه‌یی داشته است.

هم‌چنان، یونس ستولتبرگ دبیرکل ناتو در یک نشست خبری یک روز پیش از آغاز این نشست گفته که در روز دوم این نشست با صلاح الدین ربانی وزیر خارجه افغانستان و جنرال جان نیگلن فرمانده مأموریت حمایت قاطع ناتو در افغانستان و اسماعیل آراماز نماینده ارشد ملکی ناتو در این کشور در مورد اوضاع امنیتی افغانستان بحث خواهند کرد.

ستولتبرگ افزوده: حضور ناتو در افغانستان نشان دهنده تعهد درازمدت ما در امر مبارزه با تروریسم است.

آقای ستولتبرگ بیان کرده که در دیدار با آقای ربانی عمدتاً در مورد حمایت هر چه بیشتر نیروهای افغانستان و نیز روند اصلاحات در افغانستان بحث خواهند کرد، مواردی که به گفته او به ادامه حمایت بین‌المللی نیاز دارد.

ستولتبرگ مأموریت ناتو در افغانستان را مهم خواند و گفته که حضور ناتو در افغانستان نشان دهنده تعهد درازمدت ما در امر مبارزه با تروریسم است. هم‌چنان حضور ما در افغانستان به ایجاد ثبات در منطقه و نیز جلوگیری از سرازیر شدن مهاجرین و پناهجویان کمک می‌کند.

بحث در مورد افغانستان در چارچوب نشست مأموریت حمایت قاطع با اشتراک نمایندگان از ۲۸ کشور عضو ناتو و همه شرکای خارج از چوکات ناتو که در افغانستان سرباز دارند، به روز چهارشنبه صورت می‌گیرد.

در حال حاضر، نزدیک به ۱۳ هزار سرباز بین‌المللی در افغانستان فعالیت می‌کنند.

نمایندگان از سازمان ملل متحد و اتحادیه اروپا هم برای اشتراک درین اجلاس دعوت شده‌اند.

اداره عالی مبارزه با فساد اداری:

کارکنان اداره‌های پول آور وابسته‌گان مقام‌های حکومتی‌اند



رییس اداره عالی مبارزه با فساد اداری می‌گوید که در اکثر ادارات فسادزا و عایداتی وابسته‌گان مقام‌های حکومتی و زورمندان محلی حضور دارند. سید غلام حسین فخری، رییس اداره عالی مبارزه با فساد اداری روز سه شنبه (۱۶ قوس) در نشستی که از سوی نماینده فوق العاده رییس جمهور در امورحکومت داری خوب برگزار شده بود، گفت که برای پیشرفت در امور حکومت‌داری خوب به رهبری سیاسی متحد، یکپارچه و قاطع نیاز است. آقای فخری تأکید کرد که مبارزه با فساد اداری و ایجاد حکومت‌داری خوب تنها با صدور فرامین و حتی با اتخاذ تدابیر پولیسی به فرجام نمی‌رسد بلکه مبارزه با این پدیده نیازمند مشارکت ملی و همگانی است.

وی با تأکید بر اینکه به شایسته‌سالاری و اصل مکافات و مجازات هنوز هم بهای کم داده می‌شود گفت: "مصلحت‌های سیاسی، قومی و زبانی توزیع کرسی‌ها به صورت سلیقه؛ به امر مبارزه با فساد اداری و حکومت داری خوب به صورت جدی آسیب می‌رساند."

آقای فخری افزود: "در گمرکات، بنادر ترانسپورتی و منابع عایداتی و فسادزا اکثریت بسته‌گان و نمایندگان مقامات دولتی و زورمندان محلی جا گرفته است که دست به چیکارها که نمی‌زند." وی از مداخلات مقام‌های حکومتی در توزیع بودجه

به ادارات نیز اشاره کرد و گفت که در توزیع بودجه برای ادارات هم مسایل مختلف و مداخلاتی دخیل است.

آقای فخری می‌گوید که یک تعداد از مشاوران با معاشات بسیار بالا در برخی ادارات استخدام شده است که وظیفه آنان هیچ مشخص نیست.

رییس اداره مبارزه با فساد اداری می‌گوید که با آن‌که قراردادهای دولتی از سوی برنامه تدارکات ملی انجام می‌شود اما هنوز هم افراد سودجو با

استفاده از فرصت دنبال اخاذی‌گیری هستند. رییس اداره عالی مبارزه با فساداداری درحالی از موجودیت افراد فاسد در ادارات دولتی سخن می‌گوید که رهبران حکومت وحدت ملی برای مبارزه با این پدیده تعهد جدی در قبال مردم و جامعه جهانی به عهده دارند.

در دو سال گذشته حکومت وحدت ملی برای رسیده‌گی به پرونده‌های بزرگ افراد متهم به فساد مرکز عدلی و قضایی را ایجاد کرده است.

بازمحمد احمدی:

د مخدره مواد د قاچاق مخنیوی لپاره لوی عملیات پیلېږي



د کورنیو چارو وزارت د نشه یی موادو پر وړاندې د مبارزې معینیت وایی چې د مخدره موادو د قاچاق پر وړاندې د سترو عملیاتو پلان لري.

یاد وزارت وایی چې له نړیوالې ټولنې یې غوښتي تر څو د نشه یی توکو په وړاندې د دې ادارې ځواکونو د پیاوړتیا په برخه کې مرسته وکړي.

سره له دې چې د کورنیو چارو وزارت د نشه یی توکو پر وړاندې د مبارزې معینیت د دغې پدیدې په پرتله د خپلو ځواکونو شمېر کم گڼي، خو وایی چې په روان کال کې یې ښې لاسته راوړنې تر لاسه کړي دي.

د مخدره موادو پر وړاندې د مبارزې معین بازمحمد احمدی د سې شنبې په ورځ په کابل کې خبریالانو ته وویل چې په روان کال کې یې سلگونه ټنه نشه یی مواد او لسگونه قاچاقبر د هېواد په بېلابېلو سیمو کې نیولي دي.

ښاغلی احمدی وایی چې افغان حکومت د نشه یی موادو د قاچاق پر وړاندې د سترو عملیاتو پلان لري. نوموړي زیاته کړه:

"موږ ستر عملیاتي پلانونه او پروگرامونه په پلان کې لرو، منی او ژمی د پروسس وختونه دي او د ژمی په پای کې بیا د مخدره موادو قاچاق او ترافیک ډېرېږي چې موږ په دې برخه کې ستر اهداف لرو."

ښاغلی احمدی وایی، په دې وروستیو کې یې د کابل په خاکجبار ولسوالۍ کې د نشه یی موادو پر وړاندې د مبارزې پولیسو خپلواک عملیات کړي او ۶۱ ټنه چرس یې نیولي دي.

نوموړی وایی چې په تېره یوه نیمه میاشت کې یې ۲۴۴ عملیات کړي، خو دا هم مني چې نامنیو او ځینو نورو ستونزو یې پر کارونو اغېز کړی دی.

دا په داسې حال کې ده چې د ازادې راډیو یو څېړنیز راپور ښيي چې نشه یی موادو او په کابل ښار کې د هغوی مرکزونو ته رسېدل اسانه دي تر دې چې امنیتي ځواکونه یې هم پر وړاندې د درېدو په برخه کې پاتې راغلي دي.

افغانستان د نشه یی موادو په ډېر تولید کې نړیوال ریکارډ لري او دې موضوع په نړیواله کچه هم ځینې اندېښنې راپارولي دي.

دا هېواد د نشه یی توکو سره د څنګه مبارزې او د هغې د کموالي په برخه کې سړ کال د سیمې هېوادونو د یوې غوندې کوربه هم و.

د دې غوندې ګډونکو نشه یی مواد د افغانستان او سیمې لپاره جدي خطر یاد کړ او د هغې سره د مبارزې په برخه کې یې پر ګډو همکاریو ټینګار وکړ.

د مخدره موادو پر وړاندې د مبارزې وزارت پخوانی مرستیال ابراهیم ازهر وایی، نشه یی توکي په لویه ستونزه بدل شوي او په یوازې توګه افغانستان یې د ختمولو توان نه لري.

نوموړي زیاته کړه:

"تر هغه وخته چې د سیمې د هېوادونو مرسته او په دې برخه کې ګډې هڅې ونه لرو افغانستان په یوازې ځان په دې ستونزې د کابو کولو وړتیا نه لري ځکه چې ډېرې ذخېرې په پولو او له افغانستان څخه د باندې دي چې په هغو ځایونو کې امنیت نشته، قانون نشته نو ځکه دولت نشي کولای یوازې دا مبارزه مخ ته یوسي."

دا په داسې حال کې ده چې د مخدره موادو پر وړاندې د مبارزې معینیت هم پر سیمه ییزه همکاری ټینګار کوي او له نړیوالې ټولنې بیا د خپلو ځواکونو د پیاوړتیا او لا تجهیز غوښتنه لري.



فیسبوك نامه

محمد اکرام اندیشمند



دیروز خاکسترش را زیر ستونی دفن کردند و بالای ستون نوشتند:
فیدل

فیدل کاسترو (۱۹۲۶-۲۰۱۶) از رهبران جنبش چپ مارکسیستی قاره آمریکا ۱۰ روز قبل پس از نیم قرن فرمانروایی (۱۹۵۹-۲۰۰۸) در کشور کیوبا به عمر نودساله‌گی پدرود حیات گفت. او ماتریالیست و کمونیست بود و به هیچ دین و مذهبی اعتقاد نداشت. او قدرت را نه از آرای مردم در صندوق‌های رأی، بلکه با جنگ و خشونت و از لوله تفنگ به دست آورد. هر چند کاسترو نظام توتالیتر تک حزبی و سرکوب‌گر مانند شوروی و چین و بسیاری از احزاب مارکسیست-لنینیستی که در سده بیستم و از جمله در افغانستان به قدرت رسیدند، ایجاد کرد، اما با رهبران این احزاب و حاکمیت‌های شان متباین و متفاوت بود. یکی از نکات مهم تباین کاسترو با تمام رهبران و زمام‌داران مارکسیست لنینیست سده بیستم، به کیش شخصیت بر می‌گشت. کاسترو برخلاف آن‌ها از کیش شخصیت برای خودش جلوگیری کرد. نگذاشت که در کشور یازده میلیونی کیوبا چیزی را به نامش نام‌گذاری کنند و تندیس از او بر فراز جاده‌ها و ساختمان‌ها بسازند. هر چند او مخالفان خود را به زندان افکند و سر به نیست کرد، اما سرکوب‌گری‌هایش با سولات سار یا پول پوت در کمبودیا (کامبوج)، انورخوجه در البانیا، استالین و ماوتسه تونگ در شوروی و چین قابل مقایسه نبود. او برخلاف این‌ها و سایر رهبران و حاکمان چپ مارکسیست، در منازعه درونی بر سر قدرت به سرکوب و قتل رفیقان هم‌رزم و هم حزبی خود نپرداخت. در حالی که استالین در سال‌های رهبری‌اش بسیاری از اعضای بیروی سیاسی و کمیته مرکزی حزب حاکم کمونیست شوروی را تیرباران کرد. استالین پس از تدویر هفدهمین کنگره حزب کمونیست در سال ۱۹۳۴، یک هزارو یکصدو هشت نفر از جمله ۱۹۵۶ نماینده شرکت کننده حزب کمونیست را در کنگره تا سال ۱۹۳۸ تصفیه کرد که بیشترین تعدادشان تیرباران شدند. از مجموع ۱۳۹ نفر عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی که عضویت آن‌ها در کنگره مذکور تصویب شد، ۹۸ نفرشان را استالین اعدام کرد. کاسترو علی‌رغم آن‌که به عنوان رفیق انقلابی از سوی رهبران حزب دموکراتیک خلق افغانستان حرمت و تمجید می‌شد، اما او با برخی از رفیقان همراه و هم‌رزمش آن‌گونه رفتار نکرد که رهبران چپ حاکم افغانستان در منازعه درونی قدرت میان خود انجام دادند.

حفیظ‌الله امین که عکس زمام‌دار کمونیست کیوبا را بر میز کارش داشت و به قول خودش از دوست داشتن فیدل سخن می‌گفت، نورمحمد تره‌کی رهبر حزب حاکم دموکراتیک خلق را پس از آن‌همه دست بوسی و تقدیس و تکریم تا سرحد پرستش، با گذاشتن بالشت به دهنش به قتل رساند. توفیر دیگر فیدل کاسترو از رهبران و زمام‌داران چپ سده بیستم، به پایداری سرسختانه‌اش در حفظ نظام سوسیالیستی بود که طی نیم قرن حاکمیت در کیوبا شکل داد. شوروی و نظام حاکم سوسیالیستی آن و تمام رژیم‌های سوسیالیستی حاکم بر اروپای شرقی و برخی کشورهای آسیایی به شمول افغانستان در دهه اخیر سده بیستم فروپاشید، اما کاسترو تنها و یک تنه در قاره آمریکا و علی‌رغم انزوا و تحریم ایالات متحده آمریکا با نظام حاکم سوسیالیستی‌اش در عرصه سیاسی و اقتصادی باقی ماند. حتا چین کمونیست که هرچند نظام سیاسی تک‌حزبی حاکمیت حزب کمونیست را حفظ کرد، ولیکن در عرصه اقتصادی از سوسیالیسم به کپتالیسم و امپریالیسم تغییر مسیر داد.

علی پارسا



فاجعه در فاجعه!

شوک فاجعه فقط به تجاوز و قتل تکان‌دهنده یک بانوی مددکار آلمانی توسط یک نوجوان پناهجوی افغانستانی خلاصه نمی‌شود؛ اوضاع وقتی اسفبارتر می‌شود که به جای تحلیل، توضیح، توجیه یا تقبیح تراژدی اولی، بلافاصله به جان هم افتاده‌ایم که عامل این جنایت از چه قوم و تباری است! نگاه قومی به یک جنایت، صرف‌نظر از این‌که با هیچ قاعده حقوقی و منطقی جور در نمی‌آید، اوج بدبختی و مسخ‌شده‌گی صاحب‌نظران ما را به نمایش می‌گذارد! یادمان باشد که در این هفته حقوق بشر، انسانی دریده شده و ما اگر رسم همدردی انسانی نمی‌دانیم، انسانی‌تر آن است که به این بهانه هم‌دیگر را ندریم.

داوود عرفان



سیاست خارجی کشور ما سیاستی استراتژیک نیست. سازه‌های آن براساس پیشینه تاریخی، واقعیت‌های موجود و نیازمندی‌های روز؛ ساخته و پرداخته نشده است، بلکه بیشتر بر بستر احساسات، بازی‌های آنی و واکنش‌های غیرمنطقی سامان یافته است. نزدیکی بیش از حد به هندوستان و دوری‌گزیدن از پاکستان به نفع ما نیست. سیاست خارجی معقول، باید بر توازن و تعادل روابط بین نیروهای متخاصم در منطقه باشد و گرنه، توان بازی تقابل با همسایه‌هایی که قدرت مانور تا عمق جغرافیای مان را دارند؛ به صلاح نیست.

کری خطاب به متحدان نگران امریکا: اوضاع درست می‌شود!

وزیر امور خارجه آمریکا در آلمان به متحدان کشورش که در پی تحولات سیاسی اخیر در اروپا و امریکا نگران شده‌اند، اعلام کرد که اوضاع درست می‌شود.

جان کری که به برلین، پایتخت آلمان سفر کرده به جمعی از دیپلمات‌های ارشد سراسر جهان اطمینان داد که "ارزش‌هایی که با امریکا به اشتراک گذاشته‌اند، پیروز خواهند شد."

آقای کری پس از دریافت نشان صلیب "مریت" از دستان فرانک والتر اشتاینمایر، وزیر امور خارجه آلمان گفت: درست نیست که به این‌جا بیایم و با افرادی که نگرانند اوضاع چطور پیش خواهد رفت، صحبت نکنیم.

کری با اشاره به همه‌پرسی در ایتالیا، تصمیم انگلیس برای خروج از اتحادیه اروپا و پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری امریکا افزود: مشخصاً نگرانی نسبت به بدنه سیاست کشورهای سراسر جهان به وجود آمده است.

او با بازگو کردن اظهارات ماه گذشته باراک اوباما، رئیس‌جمهور کنونی امریکا در برلین گفت: جهان با چالش‌های اقتصادی و فنی سریعی متفاوت از آنچه که در قرن بیستم شکل گرفت، مواجه است، اما دوستان، اوضاع درست می‌شود و من نسبت به این مسأله کاملاً مطمئن هستم. کری ادامه داد: ما تنها باید آرامش خود را حفظ کنیم و به صورت ثابت قدم در مسیر خود گام برداریم. حفظ روابط خوب میان برلین و واشنگتن نه تنها برای این دو کشور، بلکه برای سراسر جهان مهم است. به خاطر اعتقادات مان نسبت به انسانیت، فرصت‌ها، آزادی و اجرای قانون این ائتلاف برای همه‌گان در این سیاره ضروری و حیاتی است.

داعش، قرآن را هم بمب گذاری کرد!

تروریست‌های داعش در تازه‌ترین جنایت خود، مواد منفجره را در داخل قرآن جاسازی کرده و این کتاب مقدس را در مقابل منازل مسلمانان قرار می‌دهند.

یکی از نیروهای امنیتی عراق، قرآن‌های منفجر شده را پیدا کرد که صفحات این کتاب مقدس در پی انفجار جدا شده بودند. تروریست‌های داعش پیشتر نیز از کتاب مقدس قرآن برای بمباران شهرهای رمادی و دیالی که سربازان عراقی کنترل آن‌ها را پس گرفته بودند استفاده کردند.

تحلیل‌گران بین‌المللی معتقدند که تازه‌ترین حمله مذهبی تروریست‌های داعش ثابت می‌کند که این شبکه تروریستی هیچ ایدئولوژی مذهبی ندارد. در عوض تروریست‌های داعش حملات خشونت‌آمیز خود را "راه بقا" و فرصتی "برای رسیدن به رستگاری" به خاطر اقدامات شرورانه و شیطنانی‌شان تلقی می‌کنند!

نیروهای امریکایی در تلاش برای نابودی داعش روز دوشنبه پنج حمل هوایی در نزدیکی موصل ترتیب داده و ۳۱ مسیر تدارکی این گروه را نابود کردند.

اسلام آباد:

احتمال بهبود روابط با هند بعید است

مشاور امور خارجه نخست‌وزیر پاکستان گفت که با توجه به شرایط موجود، تغییر در روابط به شدت تیره اسلام آباد و دهلی، مسأله‌ی بسیار دور از انتظار است.

سرتاج عزیز، مشاور امور خارجه نخست‌وزیر پاکستان با این حال تأکید کرد، راه‌حل قطعی تمامی مسایل موجود در روابط میان این دو کشور همسایه از سرگیری مذاکرات جامع است.

عزیز در مصاحبه‌ی هم‌چنین ادعا کرد، ارابه یک لحن ضد پاکستانی از سوی نارندرا مودی، نخست‌وزیر هند در آستانه انتخابات فروری سال آینده، به طور قطع به نفع او است.

او در پاسخ به سوالي درباره وجود هرگونه روزنه امیدی درباره احتمال دیدار مشاوران امنیتی دو کشور در آینده نزدیک اظهار کرد، هرزمانی که این مسأله رخ دهد، وزرای خارجه نیز در این مذاکرات حضور خواهند داشت تا تمامی مسایل از جمله مسأله اصلی کشمیر مورد گفت‌وگو قرار گیرد.

مشاور با سابقه نخست‌وزیر پاکستان افزود: با این حال در شرایط فعلی اسلام‌آباد خواهان کاهش تنش‌ها است و اجازه نخواهد داد تا تنش‌ها بیش از این افزایش یابد.

سرتاج عزیز هم‌چنین از پیشنهاد ایران برای میانجی‌گری میان پاکستان و هند در مسأله کشمیر استقبال کرد.

پیش از این بان کی مون، دبیرکل سازمان ملل پیشنهادی مشابه مطرح کرده بود که با مخالفت طرف هندی مواجه شد. دهلی همواره تأکید می‌کند که مسأله کشمیر به عنوان یک مسأله دوجانبه باید میان دو کشور حل و فصل شود.

آقای عزیز در پاسخ به سوال دیگری درباره اجازه مسیر تجاری به هند برای دسترسی به افغانستان از طریق پاکستان اظهار کرد، با توجه به سناریوی موجود، ممکن نیست که چنین امتیازی به دهلی داده شود.

سرتاج عزیز در حالی این مسأله را بیان می‌کرد که به نحوی نشان داد که هندی‌ها پیش از این چارچوب همکاری مذکور را به حالت تعلیق درآورده بود.

مشاور امور خارجه نخست‌وزیر پاکستان در ادامه اظهاراتش با اشاره به کنفرانس قلب آسیا عنوان کرد، هند با تکرار اظهارات "ناموجه" ضد پاکستانی خود پیام بسیار منفی به جهان ارائه داد.



مرحله گروهی لیگ قهرمانان اروپا نبرد رئال مادرید و دورتموند برای صدرنشینی



مرحله گروهی فصل ۱۷-۲۰۱۶ لیگ قهرمانان اروپا امشب (چهارشنبه) با هشت دیدار به پایان می‌رسد. در شب دوم از هفته پایانی مرحله گروهی لیگ قهرمانان اروپا، بامداد امروز (چهارشنبه) هشت دیدار از گروه‌های پنج تا هشت برگزار می‌شود که در مهم‌ترین دیدار از گروه F رئال مادرید در ورزشگاه سانتیاگو برنابئو پذیرای بوریسیا دورتموند است.

رئال برای صعود به عنوان صدرنشین، تنها باید دورتموند را شکست دهد، در غیر این صورت، باید به عنوان تیم دوم در مرحله یک‌هشتم نهایی حضور پیدا کند. در سوی دیگر، زردپوشان وستفالن با یک تساوی هم صعودشان را به عنوان صدرنشین گروه F جشن خواهند گرفت. بازی رفت دو تیم در آلمان با نتیجه ۲ بر ۲ خاتمه یافت، جایی که آندره شورله، گل تساوی دورتموند را به ثمر رساند تا شاگردان توماس توخل در خانه یک امتیاز کسب کنند.

کلهکشانی‌ها در پنج تقابل اخیر خود با بوریسیا دورتموند، در اسپانیا شکست نخورده‌اند. آخرین تقابل دو تیم پیش از این فصل به مرحله یک‌چهارم نهایی لیگ قهرمانان در فصل ۱۴-۲۰۱۳ باز می‌گردد که رئال در مجموع دو بازی رفت و برگشت با نتیجه ۳ بر ۲ از سد این تیم آلمانی گذشت و در نهایت در همان فصل هم به دهمین عنوان قهرمانی خود در اروپا رسید.

رئالی‌ها در هشت بازی اخیر خانه‌گی خود در لیگ قهرمانان اروپا به هشت برد متوالی رسیده‌اند. آن‌ها در ۳۲ بازی اخیر خانه‌گی خود در این رقابت‌ها به ۲۸ برد رسیده‌اند و تنها یکبار شکست خورده‌اند که آن‌هم به باخت ۴ بر ۳ مقابل شالکه در فصل ۱۵-۲۰۱۴ بازمی‌گردد.

دورتموند در مرحله گروهی فصل جاری لیگ قهرمانان اروپا ۱۹ گل زده و تنها به یک گل نیاز دارد تا به رکورد ۲۰ گل زده منچستر یونایتد در مرحله گروهی فصل ۹۹-۱۹۹۸، بارسلونا در فصل ۱۲-۲۰۱۱ و رئال مادرید در فصل ۱۴-۲۰۱۳ برسد. آن‌ها در ۱۲ بازی اخیر خود در خانه نماینده‌گان اسپانیایی تنها به یک پیروزی رسیده‌اند و ۷ بار شکست خورده‌اند و ۴ تساوی کسب کرده‌اند.

در ۱۱ بازی اخیر بین دو تیم رئال ۴ پیروزی، دورتموند ۳ برد و ۴ بازی به تساوی انجامیده است.

وضعیت گروه‌ها

گروه E: در حال حاضر موناکو با ۱۱ امتیاز صدرنشین است، بایرلورکوزن با ۴ امتیاز دوم، تاتنهام با ۴ امتیاز سوم و زسکا مسکو با ۳ امتیاز چهارم هستند. در این گروه موناکو صعودش به عنوان تیم اول و لورکوزن به عنوان تیم دوم قطعی شده است. جدال تاتنهام و زسکا برای کسب جایگاه سوم جدول و راهیابی به رقابت‌های لیگ اروپا است.

گروه F: بوریسیا دورتموند، رئال مادرید، اسپورتینگ لیسبون و لژیا ورشو به ترتیب با ۱۳، ۱۱، ۳ و یک امتیاز اول تا چهارم هستند. دورتموند با کسب یک تساوی از رئال صعودش را به مرحله حذفی به عنوان صدرنشین قطعی خواهد کرد. رئال مادرید هم در صورت شکست دورتموند به عنوان صدرنشین صعود خواهد کرد و در غیر این صورت، به عنوان تیم دوم راهی دور بعد می‌شود. لژیا در حالی در بازی آخرش پذیرای اسپورتینگ لیسبون است که در صورت شکست حریف پرتغالی‌اش به رقابت‌های لیگ اروپا راه پیدا خواهد کرد، اما در صورتی که این بازی به تساوی یا برد بینجامد، این اسپورتینگ خواهد بود که به لیگ اروپا راه پیدا می‌کند.

گروه G: در این گروه لسترسیتی با ۱۳ امتیاز صعودش به مرحله بعد به عنوان صدرنشین قطعی شده و پورتو با ۸ امتیاز، کوپنهاگن با ۶ امتیاز و کلوب بروژ بدون امتیاز در رده‌های دوم تا چهارم هستند. در این گروه اگر پورتو موفق به شکست لسترسیتی نشود و در طرف دیگر کوپنهاگن دانمارک از سد بروژ بلژیک بگذرد، پورتو به لیگ اروپا خواهد رفت و این کوپنهاگن است که به عنوان تیم دوم راهی دور بعد می‌شود.

گروه H: یوونتوس، سویا، لیون و دینامو زغرب به ترتیب با ۱۱، ۱۰، ۷ و بدون امتیاز در رده‌های اول تا چهارم هستند. بانوی پیر با شکست دینامو زغرب صعودش به عنوان صدرنشین قطعی خواهد شد. در سوی دیگر، سویا در صورتی که از سد لیون بگذرد جایگاه دومی‌اش قطعی خواهد شد و حتا در صورت شکست یا تساوی یوونتوس برابر دینامو زغرب شانس صدرنشینی را هم دارد، اما اگر لیون به دنبال صعود به دور بعد است باید با اختلاف دو گل یا بیشتر بر سویا غلبه کند.

اگر قاتل دختر آلمانی افغانستانی باشد؟



پس از بازداشت یک پناهجوی هفده ساله افغانستانی در ارتباط با قتل یک دختر محصل آلمانی تحقیقات پولیس به شدت ادامه دارد. صدراعظم آلمان دیروز گفت: «اگر معلوم شود که قاتل یک پناهجوی افغان است، در مورد آن باید علنی حرف زده شود.»

یک سخنگوی پولیس شهر فرایبورگ آلمان، به قول خبرگزاری فرانس پرس، گفته است که ادامه تحقیقات بر اطرافیان قاتل احتمالی و مقتول تمرکز دارد. پولیس می‌خواهد از جمله بررسی کند که آیا فرد مظنون، که در سال ۲۰۱۵ به عنوان پناهجوی افغانس وارد آلمان شده است، و دختر ۱۹ ساله و محصل از قبل باهم شناخت داشته بودند، یا خیر. پولیس در ادامه تحقیقات خود بازم می‌خواهد دوستان و آشنایان نزدیک و شخصی دختر مقتول را پرس و جو کند. جسد این دختر ۱۹ ساله به تاریخ ۱۶ اکتوبر در کنار رودخانه "درایز" یافت شده بود.

انگلا مرکل صدراعظم آلمان شام روز دوشنبه (۶ دسمبر ۲۰۱۶) در صحبت اش با تلویزیون "ای آر دی" آلمان، این رویداد را «وحشت آور» خواند. مرکل گفت: «اگر ثابت گردد که (قاتل) یک پناهجوی افغان بوده است، در آن صورت مانند هر قاتل دیگری باید جداً محکوم شود و همچنان در مورد آن علنی صحبت گردد.»

مرکل همزمان هشدار داد که «با محکوم گردیدن قاتل اما نباید همه پناهجویان زیر سوال برده شوند و یک قضاوت عام صورت بگیرد.» پیش از آن زیگمار گابریل معاون صدراعظم و وزیر اقتصاد آلمان نیز گفته بود: «پس از همچو جنایت‌های خشونت آمیز، صرف‌نظر از اینکه چه کسی مرتکب آن شده است، ما هیچگونه تحریک مردم را اجازه نمی‌دهیم. تنها چیزی که باید صورت بگیرد، تحقیق در مورد عامل جنایت، محاکمه و مجازات وی است.»

همچنان آیدان اوزوگیوز کمیسار امور مهاجرین از حزب سوسیال دموکرات نیز در مورد این قتل ابراز انزجار کرد. او در عین حال گفت که از این خشونت وحشت‌آور نباید برای مقاصد سیاسی استفاده گردد. اوزوگیوز افزود: «کسی که این جنایت را وسیله قرار می‌دهد تا مردم را علیه پناهجویان

تحریک کند، به یک عمل کاملاً غیر مسئولانه دست می‌زند.» کاتارینا بارلی منشی عمومی حزب سوسیال دموکرات نیز از یک بهره‌برداری سیاسی از این قضیه «شدیدا غم انگیز» هشدار داد. او گفت هرگونه خشونت جنسی وحشتناک است، صرف‌نظر از اینکه عامل آن چه کسی است.

شیتفین زایبرت سخنگوی حکومت آلمان از یک «عمل زشت و نفرت‌آور» سخن گفت که عامل آن باید «به اشد مجازات قانونی» محکوم گردد. زایبرت گفت: «ن باید از یاد ببریم که ما از یک عمل احتمالی از سوی یک پناهجوی افغان سخن می‌گوییم، نه از سوی یک گروه بزرگ که مانند این مظنون افغان و یا پناهجو اند.»

پیش از آن حزب "بديل برای آلمان" در پارلمان ایالتی بادن وورتمبرگ انگلا مرکل و زیگمار گابریل را شدیداً مورد انتقاد قرار داده بود. یورگ مویتن رئیس جناح حزب "بديل برای آلمان" در پارلمان ایالتی و رئیس سراسری این حزب گفت: «مسئولیت نهایی برای این عمل فجیع و شمار زیاد اعمال دیگر "انفرادی"، که از زمان ورود آزادانه

مهاجرین همه روزه در آلمان اتفاق می‌افتد، به دوش خانم مرکل و حامی اش در ائتلاف بزرگ حاکم، زیگمار گابریل است.»

راینر ویند رئیس اتحادیه پولیس آلمان بار دیگر بر این خواست اش تأکید کرد که در مورد مردان نوجوان و بدون همراه باید بسیار دقت صورت گیرد که چه خطر احتمالی از سوی آنها می‌تواند وجود داشته باشد.

قتل دختر نوزده ساله آلمانی، که احتمالاً از سوی یک پناهجوی افغان صورت گرفته است، باعث انزجار افغان‌های مقیم آلمان، به شمول پناهجویان افغان در این کشور نیز گردیده است. یکی از این پناهجویان در صحبتی با دویچه وله گفت: «ما از افغانستان با مشکل خود را از جنگ و بدبختی نجات داده و به این‌جا رساندیم تا به آرامش برسیم. همچو افراد باید دوباره به وطن شان برگردانده شوند.» این پناهجو اظهار نگرانی کرد که چنین اعمال سبب می‌شود مردم به همه پناهجویان به دیده شک بنگرند.

سفیر روسیه در کابل به نگرانی‌های سناتوران پاسخ می‌دهد



در این اواخر گزارش‌های مبنی بر حمایت نظامی روسیه از طالبان به نشر رسیده است که گویا مسکو از طالبان حمایت کرده و تجهیزات نظامی آنان را تهیه می‌کند، اما الکساندر منتیتسکی، سفیر روسیه در افغانستان روز پیش در دیداری با رییس مجلس سنا، تمامی این گفته‌ها را رد کرده است. برخی از سناتوران روز سه‌شنبه در نشست عمومی‌شان در واکنش به این گفته‌های سفیر روسیه می‌گویند که مسکو با تمام امکانات اش از طالبان حمایت نظامی می‌کند و در این مورد اسنادی نیز موجود است.

نثار احمد حارس، عضو مجلس سنا، حمایت مسکو از طالبان را بر اختلافات آمریکا و روسیه پیوند داده می‌گوید که مسکو نباید به خاطر اختلافات اش با آمریکا از طالبان حمایت کند.

سناتور محمدحسن هوتک نیز می‌گوید که سفیر روسیه باید تمامی اسنادی که عدم حمایت‌شان را از طالبان نشان دهد به کمیسیون‌های ویژه این مجلس ارایه کند تا قناعت سناتوران برآورده شود. فضل‌هادی مسلم‌یار، رییس مجلس سنا در پاسخ به این نگرانی‌های سناتوران می‌گوید، قرار است الکساندر منتیتسکی سفیر روسیه در افغانستان به روزشنبه هفته آینده به هدف وضاحت در کمیسیون‌های ویژه مجلس سنا اشتراک کند و تمامی اعضای کمیسیون‌ها حق پرسش در مورد حمایت روسیه از طالبان را دارند.

پیش از این والی فراه و کندز با نگرانی از حمایت روسیه از طالبان گفته بودند که مسکو راکت‌های ضد تانک و طیاره را به اختیار طالبان قرار می‌دهد.

وزیر دفاع پاکستان:

در مبارزه با تروریسم به موفقیتی دست یافتیم که خارجی‌ها در افغانستان نیافتند



بر مبارزه با تروریسم توانایی مبارزه با بحران را نیز ارتقا داده است.

وزیر دفاع پاکستان ادامه داد که کشورش فضای بسیار مناسب برای سرمایه‌گذاری خارجی است. او با اشاره به پروژه «کریدور اقتصادی چین و پاکستان» گفت که کشورهایمانند ترکمنستان و ایران خواستار مشارکت شده‌اند و با پایان یافتن این پروژه پاکستان تبدیل به یکی از بزرگ‌ترین بازارهای جهان خواهد شد.

آصف ادامه داد که ایتالیا و پاکستان سال‌ها است روابط خوب و پایداری دارند و دولت ایتالیا نیازمندی‌های دفاعی کشورش را نیز تأمین کرده است.

ایتالیا روابط خوبی با پاکستان دارد و به‌خصوص کوهنوردان این کشور، پاکستان و مناطق شمالی آن را وطن دوم خود می‌دانند.

اتباع ایتالیایی نخستین فاتحان قله ۸۶۱۱ متری «کی ۲» در شمال پاکستان بودند. این کوه دومین قله مرتفع جهان است.

جهان برای سرمایه‌گذاری است. او افزود: در عملیات ضد تروریستی «ضرب عصب» به موفقیتی دست یافتیم که کشورهای خارجی در افغانستان به آن دست نیافتند.

آقای آصف در کنفرانس تجاری پاکستان و ایتالیا در اسلام‌آباد اظهار داشت که پاکستان مورد بی‌مهری رسانه‌های جهان واقع شده است در حالی که علاوه

وزیر دفاع پاکستان با تأکید بر امنیت سرمایه‌گذاری در این کشور گفت که در مبارزه با تروریسم به موفقیتی دست یافتیم که کشورهای خارجی در افغانستان دست نیافتند.

خواجه آصف، وزیر دفاع پاکستان اعلام کرد که باوجود تخریب رسانه‌بی‌فراوانی که علیه پاکستان صورت می‌گیرد، این کشور یکی از بهترین نقاط